

آخرین جزئیات

پرونده قتل «آی نور»

دادستان عمومی و انقلاب الیگودرز، آخرین جزئیات قتل آی نور دختر سه‌ساله اهل روستای ده‌سفید را تشریح کرد.

به گزارش تسنیم، آی نور دختر سه‌ساله یک خانواده در روستای ده‌سفید الیگودرز بود که روز پنجشنبه ۱۸ مرداد از خانه خارج شد و دیگر بازنگشت. ۲۲ امدادگر، چهار تیم عملیاتی جست‌وجو، یک تیم کوهستان و یک تیم آنست، تمام روستای ده‌سفید را تا شش روز و جب به‌وجب گشتند و همچنان گم‌شدن آی نور در ابهام بود.
ظهر روز ۲۲ مرداد پیکر آی نور در یک چاه

فاضلاب در روستای ده‌سفید پیدا شد و با کشف جسد جست‌وجو برای یافتن مظنون یا مظنونان آغاز شد. زن قاتل که همسایه‌ای نوری‌بود، ۲۷ مرداد در تحقیقات پلیس شناسایی و دستگیر شد و پای خانواده‌ا ونیز به قتل این کودک کشیده شد تا یک خانواده در پیرونده آی نور متهم شوند.
دادستان، بازپرس ویژه و کارآگاهان نیروی انتظامی الیگودرز ۲۸ مرداد، صحنه قتل آی نور را با حضور متهم به قتل بازسازی کردند و تحقیقات پلیس برای رسیدن به سرنخ‌هایی از این ماجرا هنوز ادامه دارد.
جعفر گودرزی، دادستان عمومی



و انقلاب الیگودرز، با اشاره به آخرین جزئیات قتل آی نور گفت؛ تحقیقات برای روشن شدن ابعاد این پرونده وارد جزئیات جدیدی شده‌است. متهم به قتل، عروس و فرزند ۱۴ ساله او با قرار بازداشت موقت در زندان و کانون اصلاح و تربیت به‌سر می‌برند. پرونده شخصیت برای خانواده متهم با حضور روان‌شناس، روان‌پزشک و مددکار اجتماعی تشکیل و بررسی می‌شود. وکیل تسخیری برای خانواده متهم به قتل آی نور تعیین می‌شود و قرار نهایی پس از تکمیل تحقیقات و روشن شدن دقیق انگیزه قتل صادر می‌شود.

بخشش قاتل نوعروس در بین الحرمین



اربعمین و به دلیل خوابی عجیب، قاتل را بخشیدند. مادر مقتول در این باره گفت: تصمیم داشتیم قاتل فرزندم را قصاص کنیم اما چند روز پیش خواب دیدیم، دخترم در بین الحرمین است. شاد بود و می‌گفت برای زیارت آمده‌است. از خواب که بیدار شدم حال عجیبی داشتم مردد بودم که حکم قاتل او را اجرا کنیم یا نه ؟ موضوع را با شوهرم در میان گذاشتم و بعد تصمیم گرفتیم قاتل او را ببخشیم تا روح دخترم در آرامش باشد و زندگی دوباره به قاتل او بدهیم تا راه درستی را در پیش گیرد. بنابراین به اجرای احکام آمدم و برکه‌های رضایتنامه را امضا کردم. شرط گذاشتیم قاتل به نیت ۱۴ معصوم، ۱۴ پیرومرد و بیوزن را که آرزوی‌شان سفر به کربلاست اما شرایط مالی مناسبی ندارند به این آرزو برسند.

مشخص شد او خواستگاری داشته‌که از این دختر کینه داشته‌است. متهم دستگیر شد و در تحقیقات گفت: با مقتول و خانواده‌اش همسایه بودیم. به او علاقه‌مند شدم و قصد ازدواج داشتم اما من فردی عصبانی بودم که او را کتک می‌زدم و همین باعث شد نتوانم با او ازدواج کنم. بعد از مدتی او از دواج کرد و از محله ما رفت. روز حادثه او را در خیابان دیدم و راهش را سد کردم. درگیری مان بالا گرفت و با ضربه‌های چاقو او را کشتم. پسر جوان پس از محاکمه به قصاص محکوم شد و این حکم در دیوان عالی کشور مهر تأیید خورد. پرونده به اجرای احکام ارسال شد و نام او در فهرست افراد اعدامی قرار گرفت. پس از شش سال زندان قرار بود به زودی پای چوبه دار برود که خانواده مقتول دراستانه

خانواده نوعروسی که ازسوی خواستگار سابقش به قتل رسیده بود در اقدامی نیکوکارانه قاتل را بعد از شش سال بخشیدند. قاتل طبق شرط آنها قرار است ۱۴ سالخورده را رهسپار زیارت کربلا کند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، نیمه اول خرداد سال ۹۷ وقوع قتل نوعروس ۲۸ ساله در یکی از استان‌های مرکزی کشور در حالی به پلیس گزارش شد که او با ضربه‌های چاقو کشته شده و رهگذران جسدش را یافته بودند. از روی مدارک همراه هویتش مشخص و خانواده‌اش شناسایی شدند. در تحقیق از خانواده مقتول معلوم شد نوعروس برای کار بانکی از خانه بیرون رفته اما به قتل رسیده‌است. در تحقیقات بعدی



عدلیه

قتل و قصاص

به خاطر ارتباط پنهانی با دختر جوان

پسر جوان که به خاطر چت با خواهر دوستش با او درگیر و مرتکب قتل شده بود، با حکم قضات دادگاه کیفری یک استان تهران به قصاص محکوم شد. به‌گزارش خبرنگار جام‌جم، شامگاه ششم اردیبهشت ۱۴۰۱ و با گزارش درگیری مرگبار دو پسر جوان در پارکی در ورآمین، تحقیقات جنایی درباره این پرونده آغاز شد. بررسی اولیه نشان داد در این درگیری پسر ۱۸ساله‌ای به نام سعید از ناحیه سینه چاقو خورده و در بیمارستان جان باخته‌است. مقتول از اتباع افغان بود که در جریان درگیری با هموطنش نعیم به قتل رسیده بود. در ادامه نعیم شناسایی و دستگیر شد و در تحقیقات به قتل اعتراف کرد و گفت: سعید تصویری می‌کرد من با خواهرش ارتباط پنهانی دارم و درگیری بر سر این موضوع به قتل منجرشد. با تکمیل تحقیقات مقدماتی، پرونده با صدور کیفرخواست به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد و متهم پای میز محاکمه ایستاد. در ابتدای این جلسه اولیای دم برای قاتل درخواست قصاص کردند. سپس نعیم در جایگاه ایستاد و گفت: من و سعید از دوستان قدیمی بودیم. چند ماه قبل از قتل، همراه سعید و برادر و خواهرش به ایران آمدم و می‌خواستیم به ترکیه برویم. به یک قاچاق‌بر پول دادیم تا ما را به ترکیه ببرد اما او کاری نکرد و پول‌هایمان را نیز پس نداد. خودمان سمت مرز رفتیم اما پلیس شناسایی‌مان کرد. برادر سعید از مرز رد شد، ولی ما موفق نشدیم و برگشتیم. بعد از آن اختلاف من و سعید شروع شد. از من خواست پولی را که به قاچاق‌بر داده‌ایم، برگردانم. هرچه به او می‌گفتم پول‌های خودم هم به باد رفته، فایده نداشت. این درگیری ادامه داشت تا این‌که سعید فهمید من در فضای مجازی با خواهرش صحبت کرده‌ام. سراغم آمد و سر این موضع دعوا راه انداخت. هرچه به او گفتم که نظر بدی ندارم و



عدلیه

لنگ زدن سارق، باند دزدان را لو داد



چهار مرد سابقه‌دار که با هم در زندان هم‌سلول بودند نقشه درزی از خانه‌ها را طراحی و بعد از آزادی اجرا کردند. لنگ‌زدن یکی از سارقان آنها را لو داد و در سرقت‌آخرشان در تعقیب‌وگریز پلیسی دونفرشان بازداشت شدند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، اوایل زمستان سال گذشته مردی با حضور در پلیس آگاهی تهران با طرح شکایتی گفت: بعد از یک هفته که از شمال به خانه‌مان در شرق تهران بازگشتیم، متوجه سرقت طلاها، دلار و سکه‌هایمان که دو میلیارد تومان ارزش داشت، شدیم. ماموران به محل سرقت رفته و در بررسی آنجا متوجه شدند قفل با دلیلم تخریب شده‌است.

بازبینی فیلم دوربین مداربسته ساختمان نشان می‌داد مردی با سمند و پلاک جعلی در خیابان کشیک می‌داده و سه مرد که چهره‌هایشان را پوشانده و دستکش داشتند، وارد ساختمان شدند.

به سه خانه را نتوانستند باز کنند و در آپارتمان چهارم را تخریب کرده و وارد شدند. درحالی‌که تحقیقات برای دستگیری سارقان ادامه داشت در چند ماه گذشته نیز سرقت‌های مشابهی در شرق تهران رخ داد. اموال سرقت‌شده از خانه‌ها دو تا هفت میلیارد تومان ارزش داشت. حتی برخی از طلاهای سرتنی با تخریب گاوصندوق

خانه‌ها به سرقت رفته بود. بازبینی فیلم دوربین‌های مداربسته محل‌های سرقت نشان می‌داد یکی از سارقان از ناحیه پای چپ لنگ می‌زده‌است. مشخصات ظاهری آنها در اختیار گشت‌های انتظامی قرار گرفت تا این‌که چند شب پیش ماموران هنگام گشت‌نزی در یکی از محله‌های شرق تهران افرادی را دیدند که کوله‌پشتی‌به‌دوش از خانه‌ای بیرون آمدند.

دستکش داشتند و چهره‌هایشان را پوشانده و به‌سرعت سوار خودروی پارک‌شده در خیابان شدند. ماموران به آنها مشکوک شده و تعقیب‌شان کردند، اما راننده با دیدن خودروی پلیس با سرعت بالا خلاف جهت حرکت نمود و به اختارهای ماموران توجهی نکرد. حتی راننده فراری را چند خودرو تصادف کرد و بعد از طی مسافتی متوقف شد. دو همدست آنها فرار کردند، اما او و همدستی که لنگ می‌زد به دام پلیس افتادند. در بازرسی از خودرو بخشی از طلای سرقت‌شده کشف شد. متهمان به پلیس آگاهی تهران منتقل شدند و معلوم شد یکی از دستگیرشدگان همین فردی است که لنگ می‌زند.

مهرداد در تحقیقات پلیسی گفت: در یک فروشگاه کار می‌کردم اما پسر کارفرمایم از من خوشش نمی‌آمد. او از دحل پول برداشت و در



سال پیش و به دلیل اختلاف از هم جدا شدیم و فرید با من زندگی می‌کرد. فرید کار می‌کرد، اما یک هزار تومانی در جیب او ندیدم. نمی‌دانم تهدیدش می‌کردند یا پول‌هایش را از می‌آورد. می‌گرفتند. همه فرید هم می‌گوید پزشکی قانونی هنوز علت مرگ او را تشخیص نداده‌است؛ «اما به نظرم برادرزاده‌ام خودش، زندگی‌اش را گرفت، چون به خواهر بزرگم پیام داده و از او حلاوت خواسته بود. به دختری که با او ارتباط داشت هم پیام داده و گفته بود حالش کند و سر قبرش تولد ۱۵سالگی‌اش را جشن بگیرد.»

درحالی‌که مقامات قضایی و انتظامی به این ماجرا واکنشی نشان ندادند، در مصاحبه‌ای که از نماینده این شهر منتشر شده، اعلام کرده: پرونده فرید را باید از طریق قانون حمایت از کودکان و نوجوانان پیگیری کرده و اجازه ندهیم عده‌ای بیمار این جنین به فرزندمان مان آسیب برسانند. وی بر مجازات کسانی که باعث شده‌اند این نوجوان خودکشی کند تأکید کرد و خواستار اطلاع‌رسانی کامل درباره روند پرونده به افکارعمومی جهت اطمینان خاطر از اجرای قانون شد.

کیفم گذاشت، مرا سارق جازده که بازداشت شدم و چند ماه زندان رفتم. دیگر نتوانستم با این سابقه کار درستی پیدا کنم. گرفتار افراد خلافکار شدم و چهار مرتبه به زندان افتادم. با سه همدستم که دره خانه و زورگیری بودند در زندان آشنا شدم و باندی را تشکیل دادیم و بعد از آزادی، سرقت از خانه‌ها در شرق تهران را شروع کردیم. با شناسایی خانه‌هایی که ساکنان آن حضور نداشتند، وارد آنجا می‌شدیم. نقاب زده و دستکش به دست می‌کردیم. با دلیلم قفل درها را تخریب کرده و با ورودمان به آنجا وسایل را به‌هم‌ریخته و دلار، سکه و طلاها را برمی‌داشتیم و اگر اموال در گاوصندوق بود آن را تخریب می‌کردیم، در سرقت آخرمان گرفتار شدیم. با بخشی از این پول‌ها با حضور خلافکارهایی که دوستان‌مان بودند مهمانی شبانه برگزار می‌کردم. برخی طلاها را هم به زنان خانواده‌ام هدیه‌دادم.

با این اعتراف همدست‌نیز شش‌گفته‌های او را تأیید کرد و به سرقت با او و دو همدست فراری‌شان اعتراف نمود. شریفی‌وند، بازپرس شعبه سوم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران با تأیید این خبر به جام‌جم گفت: با اعتراف دو متهم تحقیقات برای دستگیری بقیه اعضای باند و کشف اموال سرتنی ادامه دارد.

جام جم

حوادث INCIDENT

۱۵

شنبه ۳ شهریور ۱۴۰۳ ۶۸۴۲ شماره

🔴 کوتاه‌ازحوادث

بازداشت مستاجرهای کلاهبردار

رئیس اداره سیزدهم پلیس آگاهی تهران بزرگ از دستگیری مستاجرهای کلاهبردار که اقدام به اجاره دوباره املاک صاحبخانه‌های خود کرده بودند، خبر داد. سرهنگ علی اصغر زارعی در این باره به سایت پلیس گفت: به دنبال شکایت برخی صاحبخانه‌ها از مستاجران خود در تهران، پرونده‌ای در پلیس آگاهی تهران بزرگ تشکیل شد و در بررسی ما مشخص شد دو نفر در قالب یک باند، با مدارک جعلی اقدام به اجاره کردن چند آپارتمان کرده بودند. سپس این افراد، خانه‌های اجاره‌ای را در فضای مجازی مانند دیوار، آگهی کرده و به دنبال مستاجر جدید می‌گشتند. به این طریق این دو نفر خود را صاحب خانه معرفی کرده و این املاک را به دیگران اجاره می‌دادند. شگرد این افراد این‌گونه بود که این خانه‌ها را به عنوان رهن کامل، آگهی می‌کردند و بعدتوانسته بودند ۱۰ نفر را به همین شکل فریب دهند و از آنها پولی به عنوان بیعانه دریافت کنند. در مجموع این دو نفر توانسته بودند ۵۰ میلیارد ریال از این ۱۰ نفر کلاهبرداری کنند که همه شکات شناسایی شدند. متهمان نیز برای طی مراحل قضایی به دادسرا معرفی شدند.

قتل پیرزن برای طلاهایش

مرد راننده با انگیزه سرقت طلای زن سالخورده او را کشت. سردار علی ابراهیمی، فرمانده انتظامی استان قزوین در این باره به سایت پلیس گفت: بیستم مرداد امسال ناپدیدشدن زنی سالخورده در شهر تاکستان از سوی خانواده‌اش به پلیس گزارش شد. در جریان تحقیقات معلوم شد او آخرین مرتبه در یکی از خیابان‌های شهر تاکستان سوار بر خودروی مسافربر شخصی شده و پس از آن ناپدید شده‌است. در ادامه تحقیقات رد این راننده در یکی از روستاهای تاکستان به دست آمد و ماموران متهم ۲۳ ساله را در محل بازداشت کردند. او اعتراف کرد با انگیزه سرقت طلاهای این زن، او را کشته‌است.

یک کشته و ۴ مصدوم بر اثر صاعقه

بر اثر اصابت صاعقه در فارس یک نفر فوت و چهار نفر مصدوم شدند. محمدجواد مرادیان، رئیس مرکز حوادث و فوریت‌های پزشکی فارس گفت: در شهرستان فیروزآباد بر اثر برخورد صاعقه به منزل، دو نفر مجروح و به بیمارستان قائم منتقل شدند. همچنین در شهرستان نورآباد گلگاه روبه‌روی جاده‌گاه دختری ۹ساله در حیات‌خانه‌شان بر اثر صاعقه‌زدگی جان باخت. دو نفر هم در محل دیگری مصدوم و در بیمارستان ولیعصر (عج) بستری شدند.

ناپدید شدن مرموز کارمند کشتی در اقیانوس هند

تحقیقات جنایی درباره ناپدیدشدن مرموز کارمند یک کشتی ایرانی در اقیانوس هند با تحقیق از دو همکار او وارد مرحله تازه‌ای شد.

به گزارش جام‌جم، مردی ۳۴ساله اوایل اردیبهشت سال گذشته از چابهار با همکارانش سوار کشتی باری شده تا عازم سریلانکا شوند، اما در میانه راه و در اقیانوس هند، او به یکباره ناپدید شد. خانواده‌اش در این‌باره شکایتی در دادسرای چابهار مطرح کردند. اما با گذشت بیش از یک‌سال از این ماجرا ردی از سرنوشت او به‌دست نیامد و پرونده با نبود صلاحیت رسیدگی از دادسرای چابهار به دادسرای جنایی تهران ارسال شد. با دستور بازپرس دادسرای جنایی تهران، ماموران به تحقیق از خانواده جوان گمشده پرداختند که معلوم شد حسین ۳۴ساله علاقه‌ی زیادی به کار در کشتی داشته، دوره‌های لازم برای کار در کشتی را گذرانده و سال‌هاست در آن کشتی کار می‌کرده‌است. آخرین بار هم اردیبهشت سال گذشته سوار کشتی شد تا به ماموریت سریلانکا برود که گم‌شدن او را نخواستی کشتی بعد از بازگشت از سفرشان اطلاع داده بود. آنها از بقیه کارکنان و ناخدا شنیده بودند که پسرشان در آخرین سفر با دو نفر از همکارانش جویخت داشته‌است که حالا به این دو نفر مظنون بوده‌و از آنها شکایت دارند. باجمع‌بندی این اطلاعات دو مردی که با مرگ گمشده جویخت داشتند شناسایی و به پلیس جنایی پایتخت احضار شدند. یکی از آنها در تحقیقات گفت: من حسین دوست بودم. هم دوره‌بودیم و مدرک گرفته و در همین کشتی مشغول به کار شدیم. مأموریت‌های زیادی را باهم رفتیم، مدت سفرمان این اواخر خیلی طولانی شده بود. او دیگر طاقت کار طاقت‌فرسا را نداشت. بارها این موضوع را به ناخدا ی کشتی گفته و خواسته بود او را به مکان دیگری منتقل کند، اما ناخدا قبول نمی‌کرد. آخرین روز دوباره روی عرشه حسین را دیدم و حرف زدم. من و همکار دیگرمان سعی کردیم او را آرام کنیم اما عصبانی شد و خواست در تصمیم‌هایش دخالت نکنیم. بعد از آن هر چه جست‌وجو کردیم او را نیافتیم، اما وسایلش در کشتی بود. موضوع را به ناخدا و بعد به گارد ساحلی اطلاع دادیم. مدتی در اقیانوس هند به دنبال او بودیم اما او را پیدا نکردیم و به سفرمان ادامه دادیم. دیگر همکار او که مظنون دوم پرونده‌است نیز گفته‌های مشابهی را مطرح کرد. دو مظنون پرونده با سیزدن قرار قانونی آزاد شدند و تحقیقات پلیسی در این باره ادامه دارد.